

## ضرورت مطالعات میان رشته‌ای و افق‌های نوین در مطالعات حقوق و اقتصاد در اسلام

### (موردکاوی قضیه کوز، هزینه‌های مبادله)<sup>1</sup>

محمد جواد شریف‌زاده<sup>2</sup>

دکتر الیاس نادران<sup>3</sup>

### چکیده

انتشار مقاله «مسأله هزینه اجتماعی» به قلم رونالد کوز در دهه 1960 میلادی را می‌توان نقطه عطفی در مطالعات بین رشته‌ای در حوزه اقتصاد و دانش‌های مرتبط با آن به شمار آورد. تا پیش از انتشار قضیه کوز اقتصاددانان – که عمدتاً در چارچوب نظریه نئوکلاسیک می‌اندیشیدند- نیازی نمی‌دیدند که گام‌های خود را از دایره مطالعات درون رشته‌ای فراتر گذارند و مسایل حقوقی و تاریخی را در تحلیل‌های خود وارد نمایند. کوز به همراه دیگر اقتصاددانان مکتب حقوق مالکیت نشان داد که اگر هزینه‌های مبادله مخالف صفر باشد کارایی اقتصادی مستقل از قواعد حقوقی نخواهد بود و در نتیجه نهادهای حقوقی نقشی انکارناشدنی در رسیدن به کارایی خواهند داشت. بدین ترتیب کوز و همراهان وی به اقتصاددانان یادآوری کردند که تا وقتی هزینه‌های مبادله مخالف صفر است، گزینی از انجام مطالعات میان رشته‌ای وجود نخواهد داشت. ظهور دانش جدید «حقوق و اقتصاد» به عنوان یک دانش میان رشته‌ای تا حد زیادی مدیون همین تلاش‌هاست. در این مقاله افق‌های نوین و چشم‌اندازهای جدیدی که در پی این تحولات نظری فراهم آمده است معرفی و دلالت‌های آن برای مطالعات بین رشته‌ای حقوق، اقتصاد و تاریخ در اسلام بیان می‌شود. چنان‌که خواهیم دید قضیه کوز و مفهوم محوری هزینه‌های مبادله می‌توانند نقش مهمی در توسعه مطالعات بین رشته‌ای اسلامی در حوزه اقتصاد داشته باشند و به ایجاد افق‌های جدید پژوهشی کمک نمایند.

**واژگان کلیدی:** مطالعات میان رشته‌ای، حقوق و اقتصاد، تحلیل نهادی تاریخ، هزینه‌های مبادله، معارف و تاریخ اسلام

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی

<sup>1</sup> مقاله حاضر از رساله دکتری محمد جواد شریف‌زاده با عنوان «تحلیل رویکرد اسلام در تخصیص منابع: با تأکید بر تعامل بازار و نهادهای حقوقی» به راهنمایی دکتر الیاس نادران استخراج شده است.

<sup>2</sup> دانشجوی دکترای علوم اقتصادی دانشکده اقتصاد دانشگاه تهران (mj.sharifzade@gmail.com)

<sup>3</sup> دانشیار دانشکده اقتصاد دانشگاه تهران (enaderan@ut.ac.ir)

## **The Necessity for Interdisciplinary Studies and the New Prospects for Law and Economics in Islam (Case study of Coase Theorem, Transaction Costs)**

Mohammad Javad Sharifzadeh<sup>4</sup>

Dr. Elyas Naderan<sup>5</sup>

### **Abstract:**

The publication of “The Problem of Social Cost” by Ronald Coase in the 1960s shaped a turning point in the interdisciplinary studies between economics and other related disciplines. The pre-coasian economic theories –which mostly belonged to neo-classical school - place no importance on the legal and historical institutions. Coase along with other property rights economists showed that when transaction costs are positive, allocative efficiency is not independent from legal rules and so the legal institutions have a determining role in achieving efficiency. This framework reminds us that when transaction costs are positive, interdisciplinary studies are unavoidable. The rise of “Law and Economics” movement in the academic literature was the natural consequence of the Coase Theorem. In this paper, we shall introduce these new perspectives and their implications for interdisciplinary research about law, economics, and history in Islam. We will see that Coase theorem and the very conception of transaction costs can play an important role in developing Islamic interdisciplinary research on economics and open new research perspectives.

**Key Words:** Interdisciplinary Studies, Law and Economics, Institutional Analysis of History, Transaction Costs, Islamic Thought, and History.

---

<sup>4</sup> PhD Student, University of Tehran, (mj.sharifzade@gmail.com)

<sup>5</sup> Associate Professor, University of Tehran, (enaderan@ut.ac.ir)

امروزه انجام مطالعات میان رشته‌ای به ضرورتی انکارناپذیر در فرایند توسعه دانش و تجربه بشری تبدیل شده است. اگر چه در گذشته‌ای نه چندان دور بخش عمده‌ای از توان و ظرفیت علمی پژوهشگران و نهادهای تحقیقاتی صرف انجام مطالعات درون رشته‌ای می‌شد اما در دهه‌های اخیر علائم و نشانه‌هایی در حال ظهور است که به خوبی نشانگر فرایند رو به رشد تحقیقات تلفیقی به ویژه مطالعات میان رشته‌ای است. (خورسندی، 1388؛ زاهدی، 1388) دانش اقتصاد نیز به عنوان یکی از مهم ترین و شناخته شده‌ترین علوم بشری از این روند مستثنی نبوده است. (پیغامی، 1387) هدف این پژوهش بررسی تحولاتی است که از نیمه دوم قرن بیستم میلادی آغاز گشت و توانست امکان و ضرورت مطالعات میان رشته‌ای را در عرصه حقوق و اقتصاد به ویژه در موضوع تعامل نهادهای حقوقی و سازوکارهای تخصیص منابع نشان دهد.

چنان که می‌دانیم جوامع گوناگون - اعم از سنتی یا مدرن، دینی یا غیر دینی، اسلامی یا غیر اسلامی - همواره آگاهانه یا ناآگاهانه با مسأله تخصیص منابع روبرو بوده اند. به همین دلیل نیز بخش مهمی از دانش اقتصاد به بررسی و غور در این موضوع اختصاص داشته است. تا پایان دهه 1950 نظریه غالب در حوزه تخصیص منابع، نظریه اقتصاد نئوکلاسیک بود که این موضوع را در چارچوب الگوی تعادل عمومی والراس تحلیل می کرد. در این الگو - که نمونه‌ای برجسته از پابندی به مطالعات درون رشته‌ای بود - سازوکارهای تخصیص منابع به ویژه سازوکار بازار در قالب مفاهیمی انتزاعی و فارغ از بسترهای سیاسی، اجتماعی و حقوقی بررسی می شدند. (Arrow, 1969; 1985) از دهه 1960 و پس از انتشار مقاله «مسأله هزینه اجتماعی»<sup>6</sup> به قلم رونالد کوز<sup>7</sup> افق‌های جدیدی در مطالعه سازوکارهای تخصیص منابع گشوده شد که به اقتصاددانان آموخت اغلب اوقات باید پای خویش را از عرصه مطالعات درون رشته‌ای فراتر نهند و تاثیر نهادهای حقوقی را نیز بر کارایی تخصیصی لحاظ نمایند. (Coase, 1960) این مسأله برای مطالعات میان رشته‌ای حوزه اقتصاد اسلامی نیز دلالت‌های فراوانی ب همراه داشت.

اگر چه کوز نخستین بار در سال 1937 مفهوم «هزینه‌های مبادله»<sup>8</sup> را ابداع و به دانش اقتصاد معرفی کرد هر بود؛ (Coase, 1937) اما تا پیش از 1960 ارتباط دقیق هزینه‌های مبادله و تخصیص کارایی منابع مشخص نبود. مباحثی که از دهه 1960 در میان اقتصاددانان انجام شد نقش هزینه‌های مبادله را روشن کرد و نشان داد اگر این هزینه‌ها مخالف صفر باشد، نهادهای حقوقی می‌توانند بر تخصیص کارایی منابع تأثیر بگذارند. (Stigler, 1966; Demsetz, 1967; Calabresi, 1968) یافته‌های کوز و پیروان وی به اقتصاددانان فرصت داد تا در مطالعه تخصیص منابع پا را از دایره مطالعات درون رشته‌ای فراتر بگذارند و دانش میان رشته‌ای جدیدی را که امروزه «حقوق و اقتصاد»<sup>9</sup> نامیده می‌شود پدید آورند.

در مقاله حاضر به اختصار تحولات نظری ایجاد شده در نیمه دوم قرن بیستم به ویژه توسعه قضیه کوز و نیز ظهور دانش حقوق و اقتصاد را بررسی خواهیم کرد و سپس نگاهی به چشم‌انداز مطالعات حقوق و اقتصاد در اسلام با تکیه بر بسترهای تاریخی خواهیم افکند. بر این اساس در بخش 2 مهم‌ترین مفروضات و دستاوردهای نظریه اقتصاد نئوکلاسیک را مطرح خواهیم کرد و نشان خواهیم داد که چرا تا پیش از انتشار قضیه کوز اقتصاددانان نئوکلاسیک ضرورت انجام مطالعات میان رشته‌ای را احساس نمی‌کردند.

<sup>6</sup> The Problem of Social Cost

<sup>7</sup> Ronald Coase

<sup>8</sup> Transaction Costs

<sup>9</sup> Law and Economics

بخش 3 به معرفی قضیه کوز و ابعاد اثباتی و سیاستی آن اختصاص دارد. در این بخش نشان می‌دهیم که کوز و دیگر نظریه پردازان برجسته همراه وی چه نقشی در بیان و طرح این قضیه داشتند و قضیه کوز چگونه می‌تواند ضرورت انجام مطالعات میان رشته‌ای را تبیین کند و چارچوبی منسجم برای انجام آن فراهم آورد. هدف بخش 4 آشنایی با مفهوم محوری هزینه‌های مبادله و تعاریف گوناگون آن است. آشنایی با این مفهوم از آن رو اهمیت دارد که بر اساس قضیه کوز انجام مطالعات میان رشته‌ای هنگامی ضروری و اجتناب‌ناپذیر است که هزینه‌های مبادله متخلف صفر باشد. در بخش 5 به ظهور دانش حقوق و اقتصاد و تطورات آن اشاره خواهیم کرد. آن‌گاه در بخش 6 افق‌های نوینی را که این تحولات نظری برای انجام مطالعات میان رشته‌ای در عرصه حقوق و اقتصاد در اسلام ایجاد کرده است معرفی خواهیم کرد. بخش 7 - که پایان بخش این مقاله خواهد بود - به نتیجه‌گیری اختصاص خواهد داشت.

## 2. نظریه نئوکلاسیک و نگاه درون رشته‌ای به اقتصاد

چنان که گفتیم چگونگی تخصیص منابع از نخستین سؤالاتی است که هر جامعه انسانی باید بدان پاسخ دهد. فرض کنید گروهی از افراد در سرزمینی جمع شده و تصمیم گرفته‌اند جامعه‌ای را تشکیل دهند. آنان برای تأمین معیشت خود ناچارند با استفاده از نیروی کار و سرمایه خود و نیز مواهبی که طبیعت به آنان ارزانی داشته است دست به ای از کالاها و خدمات را تولید کنند. به عبارت دقیق‌تر آنان باید درباره چگونگی تخصیص منابع موجود (شامل نیروی کار، سرمایه و مواهب طبیعی) برای تولید کالاها و خدمات مورد نیاز تصمیم‌گیری نمایند. به بیان دیگر اعضای این جامعه باید با توجه به موجودی عوامل تولید تصمیم بگیرند که چه کالاهایی را به چه میزان و با چه روشی تولید کنند. به علاوه از آنان انتظار می‌رود که بهترین تصمیم را در این باره بگیرند. زیرا منابع هر جامعه محدود است و باید متناسب با نیازهای موجود بهترین استفاده را از آن به عمل آورد. بدین ترتیب جامعه در مرحله دوم با این پرسش مواجه می‌شود که بهترین روش تخصیص منابع کدام است.

روش‌های تصمیم‌گیری درباره تخصیص منابع را می‌توان به اختصار سازوکارهای تخصیص نامید. اکنون این پرسش قابل طرح است که آیا سازوکار یا سازوکارهایی وجود دارد که بتواند عوامل تولید موجود در یک جامعه را به بهترین وجه تخصیص دهد و در نتیجه کارایی تخصیصی را برقرار نماید؟ دسته‌ای از اقتصاددانان که به اقتصاددانان نئوکلاسیک شهرت دارند کوشیده‌اند تا با تکیه بر پیش‌فرض‌هایی نشان دهند سازوکار بازار می‌تواند این امر را به خوبی به انجام برساند. تکیه بر این پیش‌فرض‌ها یکی از مهم‌ترین دلایلی است که اقتصاددانان طرفدار نظریه نئوکلاسیک را از انجام مطالعات میان رشته‌ای مسخ می‌سازد. چنان‌که روشن است استغنا‌ی مذکور بیش از آنکه ریشه در واقعیت و نیازهای علمی داشته باشد، حاصل پیش‌فرض‌هایی است که م صنوع ذهن اقتصاددانان نئوکلاسیک است. به عقیده این دسته از اقتصاددانان قیمت‌هایی که در بازارها شکل می‌گیرد حاوی اطلاعات ارزشمندی درباره عرضه و تقاضای هر کالا است و می‌تواند مبنای تصمیم‌گیری افراد و بنگاه‌های فعال در هر جامعه قرار گیرد. نظریه اقتصاد نئوکلاسیک نشان می‌دهد که سازوکار بازار توانایی قابل توجهی در تخصیص منابع دارد. از همین روست که نظریه پردازان اقتصاد نئوکلاسیک سازوکارهای تخصیص منابع را به دو دسته شامل سازوکار بازار و سازوکارهای غیر بازاری تقسیم می‌کنند. (Arrow, 1969)

مهم‌ترین یافته‌های اقتصاددانان نئوکلاسیک درباره توانایی بازارها در تخصیص منابع با استفاده از الگوی تعادل عمومی والراس و در قالب قضایای اول و دوم اقتصاد رفاه بیان شده است. (Walras, 1954; Arrow and Debreu, 1954; Debreu, 1959; Arrow and Hahn, 1971) بر اساس قضیه اول اقتصاد رفاه، بازار رقابت کامل می‌تواند در حالت تعادل، کارایی پارتویی را

برقرار کند؛ البته این قضیه به شرطی برقرار است که بازارها کامل باشند. قضیه دوم اقتصاد رفاه نیز نشان می دهد که با تغییر توزیع اولیه مالکیت عوامل تولید، می توان هر تخصیص کارای پاراتویی را از طریق بازارهای رقابتی به دست آورد. این قضیه نیز به شرطی درست است که بازارها کامل باشند و منحنی های بی تفاوتی خانوارها و مرز امکانات تولید بنگاه ها شرط تحدب را تأمین نمایند. (Arrow, 1969; 1985) بدین ترتیب چنان که مشاهده می شود قضایای اول و دوم اقتصاد رفاه مبتنی بر تعدادی فروض محدودکننده است. مفروض دانستن چنین اموری نه تنها جایگاه این نظریه را در مقام عمل کاهش می دهد بلکه پایبندی به این فروض، امکان مطالعات میان رشته ای را نیز تا حد زیادی سلب می نماید. به همین دلیل نیز نظریه اقتصادی نئوکلاسیک نمی توانست تکیه گاه مناسبی برای انجام مطالعات میان رشته ای فراهم آورد.

به هر حال از آنچه گفتیم روشن شد که اگر چه با پذیرفتن پیش فرض های نظریه نئوکلاسیک می توان از انجام مطالعات میان رشته ای چشم پوشید، اما با قدم گذاشتن به جهان واقعی و فاصله گرفتن از پیش فرض های مذکور برتری نظری مطالعات درون رشته ای خدشه دار خواهد شد. بیان یک مثال می تواند به فهم بیشتر این نکته کمک کند. یکی از معضلات مهمی که سازوکارهای تخصیص با آن مواجه هند چگونگی جمع آوری اطلاعات برای تخصیص منابع است. در مدل تعادل عمومی والراس - که مبنای بسیاری از تحلیل های نئوکلاسیک به شمار می رود - فرض می شود که بازارها اطلاعات کامل را فراهم می آورند و بدین ترتیب اجازه می دهند حجم عظیمی از مبادلات بدون هیچ گونه اصطکاک به صورت لحظه ای انجام گیرد. (Walras, 1954) اما همه می دانند که در جهان واقعی شرایط متفاوت است؛ به گونه ای که شرکت کنندگان در بازارها بسیاری اوقات با فقدان، نقصان و یا عدم تقارن اطلاعات مواجهند. به عبارت دیگر فرض ناقص بودن اطلاعات که از مهم ترین فروض اقتصاد نئوکلاسیک است در بسیاری از حالات صادق نیست. بدیهی است که گردش اطلاعات در یک اقتصاد ارتباطی وثیق با نهادهای حقوقی، فرهنگی و حتی بسترهای تاریخی آن جامعه دارد. به همین دلیل نیز فهم عمیق سازوکارهای تخصیص و چگونگی عمل کرد آنها نیازمند توجه به واقعیت هایی فراتر از دایره محدود موضوعات درون رشته ای است که به طور سنتی مورد توجه اقتصاددانان نئوکلاسیک بوده است.

### 3. قضیه کوز: تبیین ضرورت مطالعات میان رشته ای

انتشار مقاله «مسأله هزینه اجتماعی» به قلم رونالد کوز<sup>10</sup> نقطه عطفی در شناخت ضرورت و امکان مطالعات میان رشته ای به ویژه در تحلیل کارکرد نهادهای حقوقی در تخصیص منابع بود. کوز در این مقاله که به سال 1960 در «مجله حقوق و اقتصاد»<sup>11</sup> به چاپ رسید رویکرد پیگو به مسأله آثار جانبی زیان بار را نقد کرد. (Pigou, 1920) او نشان داد که به شرط برقراری برخی پیش فرض ها مشکل آثار جانبی را می توان از طریق مبادله آزادانه در بازار حل کرد. طبق نظریه کوز اگر هزینه های مذاکره و چانه زنی صفر باشد، ایجادکنندگان و صدمه دیدگان آثار جانبی، فارغ از چگونگی توزیع حقوق مالکیت بین آنان، می توانند از طریق مذاکره مشکل آثار جانبی را حل نمایند و به تخصیص کارای منابع دست یابند. (Coase, 1960)

اگر چه کوز بعدها اعلام کرد که هیچ گاه قصد نداشته است اندیشه اش را در قالب یک قضیه دقیق و تحلیلی بیان کند، اما یافته های او - علی رغم خواسته اش - در همان دهه 1960 تعمیم داده شد و در قالب آنچه امروزه «قضیه کوز»<sup>12</sup> نامیده می شود صورت بندی شد. (Coase, 1988, p.157) استیگر اولین اقتصاددانی بود که نتایج کوز را تعمیم داد و قضیه کوز را به این صورت

<sup>10</sup> Ronald Coase

<sup>11</sup> Journal of Law and Economics

<sup>12</sup> Coase Theorem

بیان کرد: «در شرایط رقابت کامل هزینه‌های خصوصی و اجتماعی مساوی خواهد بود». (Stigler, 1966, p.113) دمستز در سال 1967 صورت دیگری از قضیه کوز را بیان کرد: «در جهانی که هزینه‌های مبادله صفر است اگر حقوق مالکیت مجاز باشد ترکیب محصول، کارا و مستقل از شیوه توزیع حقوق مالکیت خواهد بود». (Demsetz, 1967, p.394) کالابرسی نیز قضیه کوز را بدین شکل فرمول بندی کرد: «اگر فرض کنیم عقلانیت برقرار و هزینه‌های مبادله صفر است و مانعی قانونی برای چانه زنی وجود ندارد، مشکل تخصیص ناکارای منابع را می‌توان از طریق مذاکره در بازار به طور کامل حل کرد». (Calabresi, 1968, p.68) یکی دیگر از برداشتهای متداول از قضیه کوز برداشتی است که در آثار نورث به کار رفته است. بر اساس این برداشت اگر هزینه‌های مبادله صفر باشد، سازوکار بازار در حالت رقابت کامل کارایی تخصیصی را برقرار می‌کند و نحوه توزیع حقوق مالکیت تأثیری بر کارایی نتیجه ندارد. (نورث، 1377)

قضیه کوز در دهه‌های 1960 و 1970 با انتقاداتی نیز مواجه شد. انتقاد اول ادعا می‌کرد که این قضیه به آثار بلندمدت بین صنعتی<sup>13</sup> توجه ندارد. به اعتقاد منتقدان، انتقال ثروت (که در نتیجه مذاکره بین گروه‌های درگیر در مسأله آثار جانبی اتفاق می‌افتد) در بلندمدت موجب عدم تعادل بین صنعتی خواهد شد. (Calabresi, 1965; Wellisz, 1964) کالابرسی - که از مطرح‌کنندگان این انتقاد بود - خود در سال 1968 نشان داد که نتایج قضیه کوز در بلندمدت نیز همچون کوتاه مدت برقرار است. به گفته وی دلایل این امر روشن است؛ چون همان مبادلاتی که در کوتاه مدت تخصیص نادرست منابع را برطرف می‌نماید در بلندمدت نیز می‌تواند مشکل را حل کند و این فرایند تا آنجا ادامه می‌یابد که هیچ چانه زنی جدیدی نتواند تخصیص منابع را بهبود بخشد. (Calabresi, 1968) انتقاد دوم به امکان رفتار استراتژیک از طرف صاحبان حقوق اشاره داشت. طبق این انتقاد توزیع اولیه حقوق می‌توانست بر نتیجه چانه زنی مؤثر باشد و از رسیدن سیستم به تعادل بینه جلوگیری نماید. (Calabresi, 1965; Wellisz, 1964) دمستز در پاسخ به این انتقاد نشان داد که امکان رفتار استراتژیک در فرایند مذاکره نمی‌تواند در نهایت بر کارایی تخصیصی اثری بگذارد. (Demsetz, 1972) دسته دیگری از انتقادات به ابعاد توزیعی نظریه کوز اشاره داشت. (Regan, 1972; Nutter, 1968) در پاسخ به این انتقاد نیز لازم است به یاد داشته باشیم که در قضیه کوز فرض بر آن است که آثار درآمدی را می‌توان نادیده گرفت؛ و گرنه روشن است که نحوه توزیع حقوق مالکیت بر توزیع نهایی ثروت بین افراد تأثیرگذار است. (Coase, 1960, P. 6) عبارت دیگر قضیه کوز کارکرد حقوق مالکیت را از زاویه کارایی اقتصادی مورد توجه قرار می‌دهد و کارکردهای توزیعی آن را نادیده می‌انگارد. (Allen, 2000)

به هر تقدیر به رغم انتقاداتی که متوجه قضیه کوز شد نمی‌توان از دستاوردهای مهمی که این قضیه برای مطالعات میان رشته‌ای داشت چشم پوشید. قضیه کوز نشان داد اگر چه در جهان فرضی نئوکلاسیک ها - که هزینه‌های مبادله مساوی صفر است - سازوکار بازار فارغ از بسترهای نهادی می‌تواند کارایی را برقرار نماید و در نتیجه نیازی به مطالعات میان رشته‌ای وجود نخواهد داشت؛ اما در جهان واقعی - که هزینه‌های مبادله مثبت است - نهادهای حقوقی بر تخصیص منابع تأثیر می‌گذارند و از همین رو درک عملکرد سازوکارهای تخصیص در جهان واقعی بدون توجه به بسترهای حقوقی خطا خواهد بود. لذا اقتصاددانان ناچارند برای فهم عمیق سازوکارهای تخصیص، شناخت تعاملات حقوق و اقتصاد را در دستور کار مطالعات خویش قرار دهند. بدیهی است که انجام چنین مطالعاتی در دایره‌های محدود درون رشته ای میسر نیست و گریزی از به کارگیری روش های میان رشته‌ای وجود نخواهد داشت.

<sup>13</sup> Inter-industrial Long-term Effects

#### 4. هزینه‌های مبادله: رمز عبور از مطالعات درون‌رشته‌ای به مطالعات میان رشته‌ای

چنان که دیدیم مفهوم هزینه‌های مبادله نقشی محوری در قضیه کوز دارد و می‌تواند راهگشای مطالعات میان رشته‌ای در حوزه‌های حقوق و اقتصاد باشد. چنان که قضیه کوز نشان می‌دهد تا هنگامی که هزینه‌های مبادله مساوی صفر است نیاز چندانی به مطالعات میان رشته‌ای وجود ندارد اما به محض آنکه با هزینه‌های مبادله مثبت مواجه می‌شویم گزینی از انجام مطالعات میان رشته‌ای نخواهیم داشت. سؤال محوری این بخش آن است که تعریف هزینه‌های مبادله چیست و چه هزینه‌هایی می‌تواند در عداد این هزینه‌ها به شمار آید؟ معرفی دیر هنگام مفهوم هزینه‌های مبادله به تاریخ اندیشه اقتصادی نشان می‌دهد که این هزینه‌ها به خلاف هزینه‌های تولید هزینه‌هایی مبهم و ناملموس هستند. به همین خاطر نیز مفهوم «هزینه‌های مبادله» در دهه‌های گذشته در معرض تفاسیر و برداشت‌های مختلف قرار گرفته است.

مفهوم «هزینه‌های مبادله» نخستین بار در مقاله کوز با عنوان «ماهیت بنگاه»<sup>14</sup> در سال 1937 به کار رفت. وی در پی آن بود که نشان دهد چرا برخی مبادلات به جای آنکه در بازار انجام شود در بنگاه سازماندهی می‌شود. به عبارت دیگر وی به دنبال شناخت دلیل یا دلایل تشکیل بنگاه بود. کوز توانست در این مقاله نشان دهد که وجود هزینه‌های مبادله مثبت، شرط لازم و کافی برای تبیین وجود بنگاه است. کوز نه تنها با نگارش مقاله ماهیت بنگاه، اقتصاددانان را با اهمیت هزینه‌های مبادله آشنا کرد بلکه با نوشتن مقاله «مسئله هزینه اجتماعی» که در سال 1960 منتشر شد سهمی بزرگتر در این آشنایی ایفا کرد. انتشار این دو مقاله اگر چه نقشی مهم در تاریخ اندیشه اقتصادی داشت و نام کوز را به جامعه علمی شناساند، معمای بزرگی را نیز پدید آورد؛ زیرا وی در هیچ یک از مقالات مذکور هزینه‌های مبادله را تعریف نکرده و بدین ترتیب آن را در معرض تعاریف و تفاسیر متعدد قرار داده بود. برای مثال کوز در مقاله ماهیت بنگاه هزینه‌های مبادله را معادل «هزینه استفاده از سازوکار قیمت‌ها»<sup>15</sup> دانسته (Coase, 1937, P.403) و برای روشن کردن آن به بیان چند مصداق از جمله «هزینه‌های مذاکره و رسیدن به قرارداد» بسنده کرده بود. (ibid, pp.390-391)

اکنون شایسته است تعاریف و تفاسیر هزینه‌های مبادله را گونه‌شناسی کنیم و بکوشیم وجوه اشتراک و افتراق آنها را دریابیم. اگر نگاهی کوتاه به مجموعه این تعاریف داشته باشیم به نظر می‌رسد در همه این تعاریف یک نقطه مشترک وجود دارد و آن تفاوت هزینه‌های مبادله و هزینه‌های تولید است. در یک تعریف کلی می‌توان هزینه‌های مبادله را شامل هزینه‌هایی دانست که در شمار هزینه‌های تولید جای نمی‌گیرند اما بر تخصیص منابع تأثیر می‌گذارند. (Klaes, 2008) با این حال شناخت هزینه‌های مبادله حاوی نکات و ظرایف خاصی است؛ به گونه‌ای که هر گروه از اقتصاددانان مطابق با خاستگاه فکری خود هزینه‌های مبادله را از یک زاویه مورد کاوش و تعمیق قرار داده‌اند. در یک تقسیم‌بندی کلی تعاریف مختلف هزینه‌های مبادله را می‌توان به دو دسته تقسیم کرد: در دسته اول تعاریف و تفاسیری قرار می‌گیرد که به اقتصاددانان نئوکلاسیک تعلق دارد؛ در حالی که دسته دوم بیشتر متعلق به اقتصاددانان متمایل به نخله نهادگراست. آلن این تفاسیر را به ترتیب رویکرد نئوکلاسیک و رویکرد ادبیات حقوق مالکیت<sup>16</sup> نام نهاده است. به گفته وی وجه تمایز این دو رویکرد در آن است که در رویکرد نئوکلاسیک بر هزینه‌های تجارت در بازارها تأکید می‌شود؛ در حالی که ادبیات حقوق مالکیت بر هزینه‌های استمرار و اعمال حقوق مالکیت تأکید دارد. (Allen, 2000)

<sup>14</sup> The Nature of the Firm

<sup>15</sup> Cost of Using Price Mechanism

<sup>16</sup> Property Rights Approach

کلائس در مقاله ای که به گونه شناسی تفاسیر هزینه های مبادله اختصاص دارد تقسیم بندی سه گانه ای را پیشنهاد داده است. وی اولین رویکرد را رویکرد ادبیات پولی و تعادل عمومی به هزینه های مبادله نامیده که همان رویکرد نئوکلاسیک مورد اشاره آلن است. در این رویکرد هزینه های مبادله معادل هزینه های مستقیمی همچون حق العمل کارگزاران یا هزینه های حمل و نقل به شمار می رود که فرد به خاطر حضور در مبادلات بازاری می پردازد. وی دومین رویکرد را تفسیر رابطه ای<sup>17</sup> هزینه های مبادله نام نهاده است. این تفسیر از آن جهت رابطه ای نامیده شده است که روابط انسانی را فراتر از ابعاد سنتی مرسوم در تحلیل اقتصادی یعنی قیمت و مقدار تفسیر می کند. به عقیده کلائس تفسیر رابطه ای در قیاس با تفسیر پولی بر برداشت دقیق تری از تعامل انسان ها در مبادلات بازاری مبتنی است و قرابت بیشتری با مقالات کوز در سال های 1937 و 1960 و نیز با نظریه قرارداد دارد. کلائس سومین رویکرد را تفسیر نهادی<sup>18</sup> هزینه های مبادله نامیده است. این تفسیر که نتیجه کاربرد تفسیر رابطه ای در تحلیل سازوکارهای غیر بازاری مانند شبکه ها و بنگاه ها است، می کوشد با به کارگیری مفهوم هزینه های مبادله عملکرد روش های جایگزین را در حل مسأله هماهنگی اقتصادی مقایسه نماید. (Klaes, 2008)

به هر تقدیر با توجه به زمینه های تاریخی و نیز گونه شناسی های متداول هزینه های مبادله سه رویکرد مهم زیر را می توان از هم متمایز کرد. رویکرد نخست متأثر از آثار نظریه پردازان نئوکلاسیک به ویژه جان هیکس است. (Hicks, 1935) پیشگامان این رویکرد سهم مهمی در ارتقای نظریه پولی ایفا کردند زیرا در مدل تعادل عمومی والراس فرض بر آن بود که مبادلات بدون هیچ گونه هزینه و اصطکاک انجام پذیر است. طبیعی بود که در چنان مدل هایی تبیین دلایل پیدایش پول و کارکردهای آن دشوار باشد. اقتصاددانان مذکور هزینه های مستقیم مبادله دارایی ها در بازار را وارد تحلیل اقتصادی کردند و توانستند با تکیه بر همین نوآوری دلایل پیدایش پول و عوامل مؤثر بر تقاضای آن را تبیین نمایند. (Makower and Marschak, 1938; Marschak, 1950; Baumol, 1952; Tobin, 1956; Patinkin, 1965) مقاله دلایل پیدایش بنگاه را بررسی کرده بود. (Coase, 1937) اولیور ویلیامسون سرشناس ترین اقتصاددانی است که این برنامه پژوهشی را دنبال کرد و کوشید مزایا و معایب هر یک از ساختارهای سازماندهی از جمله بازار، بنگاه و روش های ترکیبی را تحلیل نماید. (Williamson, 1975; 1985) دستاوردهای این رویکرد به اقتصاد هزینه مبادله مشهور شده است. اگر به تقسیم بندی کلائس رجوع کنیم این رویکرد معادل رویکرد نهادی مورد اشاره وی است.

سومین رویکرد به هزینه های مبادله رویکرد اقتصاد حقوق مالکیت<sup>19</sup> است. این رویکرد بیش از هر چیز مدیون مقاله کوز در سال 1960 است که توانست ارتباط هزینه های مبادله و حقوق مالکیت را روشن نماید. (Coase, 1960) در تفسیر رابطه ای هزینه های مبادله سنت بر آن بوده است که هزینه های مبادله متناسب با گام های مختلف مبادله تفکیک و تقسیم بندی شود. بسیاری از نظریه پردازان اقتصاد حقوق مالکیت هزینه های مبادله را شامل هزینه های مرتبط با مراحل مختلف قرارداد شامل هزینه های جستجو، هزینه های چانه زنی و هزینه های اعمال قرارداد دانسته اند. (Cheung, 1969, p. 16; Barzel; 1985, p. 8; Goldberg, 1989, p. 22; Alchian and Woodward, 1988, p. 66). به عبارت دیگر هزینه های مبادله را می توان به سه دسته کلی تقسیم کرد: 1. هزینه های مکان یابی و جذب طرف های تجاری بالقوه<sup>20</sup> 2. هزینه های عقد قرارداد و اجرای آن<sup>21</sup> 3. هزینه های نظارت و اعمال

<sup>17</sup> Relational

<sup>18</sup> Institutional

<sup>19</sup> Property Rights Economics

<sup>20</sup> The Costs of Locating and Attracting Potential Trading Partners

<sup>21</sup> Contracting and Fulfillment Costs



قرارداد<sup>22</sup>. (Klaes, 2008, p. 364) این تعریف قرابت بسیاری با آرای کوز در مقاله مسأله هزینه اجتماعی دارد. کوز در پانزدهمین صفحه این مقاله می‌گوید: «آنچه تاکنون گفتیم با این فرض بود که مبادلات بازاری را می‌توان بدون هزینه انجام داد. تردیدی نیست که این فرض کاملاً غیر واقعی است. برای انجام یک مبادله بازاری لازم است طرف‌های راغب به مبادله شناخته شوند، مردم از رغبت آنان به مبادله و شرایط پیشنهادی اطلاع یابند، مذاکرات و چانه زنی‌های ضروری انجام شود، قرارداد منعقد شود، بررسی‌های ضروری برای اطمینان از رعایت مفاد قرارداد انجام پذیرد و ...» (Coase, 1960, p. 15)

## 5. ظهور «حقوق و اقتصاد» به عنوان یک دانش میان‌رشته‌ای

ارتباط بین دو حوزه مهم حقوق و اقتصاد واضح تر از آن است که نیاز به شرح و توصیف داشته باشد. اگر تعاملات اقتصادی را به مثابه نوعی بازی در میان عناصر انسانی به حساب آوریم قوانین و مقررات حقوقی را باید مهم‌ترین قواعد حاکم بر این بازی بدانیم. چنانکه نورث اشاره کرده است قواعد حاکم بر هر بازی را می‌توان به دو دسته شامل قواعد رسمی و قواعد غیر رسمی تقسیم کرد. (نورث، 1377) قوانین و مقررات حقوقی را می‌توان از شناخته شده ترین انواع قواعد رسمی به شمار آورد؛ چراکه این دسته از قواعد ماهیت مکتوب دارند و عموماً به وسیله دولت و با تکیه بر قوه قاهره اعمال و اجرا می‌شوند. از طرف دیگر تحولات اقتصادی نیز نقشی انکارناشدنی در تحولات نظام حقوقی ایفا می‌کنند. برای مثال رشد فناوری‌های نوین و پیدایش پدیده‌های که امروزه تجارت الکترونیک نامیده می‌شود وضع و اعمال دسته جدیدی از قواعد و مقررات حقوقی معطوف به فضای سایبری و مبادلات دنیای مجازی را اجتناب‌ناپذیر کرده است. به همین دلیل نیز انجام مطالعات میان رشته‌ای در این دو عرصه ضرور و مفید به نظر می‌آید.

پیدایش و رشد چشمگیر «حقوق و اقتصاد» به عنوان یک دانش میان رشته‌ای بیش از هر چیز مدیون یافته‌های کوز و دیگر اقتصاددانانی است که ابتدا با نام نظریه پردازان «اقتصاد حقوق مالکیت»<sup>23</sup> شناخته می‌شدند. دانش اقتصاد تا پیش از انتشار قضیه کوز مملو از نظریاتی بود که توزیع حقوق مالکیت را بی‌تأثیر می‌دانست. نظریه مودیگیلیانی-میلر، قضیه هم‌ارزی ریکاردویی، قضیه هم‌ارزی مالیات‌ها و ... چنین ادعایی داشتند. (Allen, 2000) دستاوردهای اقتصاد حقوق مالکیت نشان داد که اگر هزینه‌های مبادله مخالف صفر باشد این هم‌ارزی‌ها برقرار نخواهد بود. برای مثال بارزل توانست نشان دهد که وقتی هزینه‌های مبادله مخالف صفر است قضیه هم‌ارزی مالیات‌ها نمی‌تواند برقرار باشد. قضیه مذکور ادعا می‌کرد که روش‌های مختلف مالیات‌ستانی از جهت تأثیرگذاری بر تخصیص منابع و نیز از جهت اصابت مالیات‌ها یکسان هستند. بر این اساس مالیات بر مصرف‌کنندگان، هم‌ارزی مالیات بر تولیدکنندگان شمرده می‌شد. بارزل نشان داد هنگامی که هزینه‌های مبادله مخالف صفر است روش‌های مختلف مالیات-ستانی تأثیری متفاوت بر تخصیص منابع خواهند داشت. (Barzel, 1976)

اگر چه کوز پیشگام تحلیل رابطه هزینه‌های مبادله و حقوق مالکیت به شمار می‌رود اما اقتصاددانان برجسته دیگری همچون آلچیان، دمستز، کالابرسی، پوسنر و مک‌نیل نیز سهم مهمی در طرح و بسط اقتصاد حقوق مالکیت (که امروزه بیشتر با نام حقوق و اقتصاد شناخته می‌شود) داشته‌اند. (Alchian, 1965; Demsetz, 1967; Calabresi, 1968; Posner, 1972; Macneil, 1981) نخستین دستاورد این اقتصاددانان تعمیم دستاوردهای کوز و صورت بندی آن به شکلی بود که بعدها به قضیه کوز معروف شد. آنان

<sup>22</sup> Policing and Enforcement Costs

<sup>23</sup> Property Rights Economics

نشان دادند که اگر حقوق مالکیت به خوبی تصریح شده و هزینه های مبادله نیز مساوی صفر باشد سازوکار بازار - مستقل از آنکه حقوق مالکیت چگونه بین طرف های مبادله توزیع شود- کارایی را برقرار خواهد کرد . بدین سان این گروه از اقتصاددانان توانستند تأثیر حقوق مالکیت بر تخصیص منابع را تبیین کنند و بدین ترتیب از بنیان گذاران رشته نوپای حقوق و اقتصاد باشند. دانش حقوق و اقتصاد (به عنوان یک حوزه میان رشته‌ای) در 50 سال گذشته تحولات قابل توجهی را شاهد بوده است؛ ما در ادامه مقاله می‌کوشیم ابتدا در قسمت 5-1 رویکرد شیکاگویی به حقوق و اقتصاد را معرفی نماییم و آن‌گاه در قسمت 5-2 به رویکردهای رقیب مکتب شیکاگو به ویژه رویکرد نهادگرایی جدید نگاهی بیندازیم.

## 5-1. رویکرد میان رشته‌ای شیکاگویی در حقوق و اقتصاد

مهم‌ترین دغدغه پژوهشگران رویکرد شیکاگویی- که می‌توان آن را جریان غالب در دانش میان رشته‌ای حقوق و اقتصاد به شمار آورد - به کارگیری روش‌های مرسوم دانش اقتصاد در تحلیل موضوعات محوری حقوق همچون قراردادهای، مالکیت، شبه جرم و قوانین کیفری است. توسعه این رویکرد در دهه‌های گذشته بیش از هر چیز حاصل تلاش‌های گری بک و ریچارد پوسنر بود که توانستند روش «انتخاب عقلایی»<sup>24</sup> را به عنوان ابزاری توانمند در تحلیل مسایل حقوقی به کار گیرند. گری بکر به عنوان یکی از برجسته‌ترین اقتصاددانان دانشگاه شیکاگو توانست اهمیت منطق اقتصادی را در تحلیل مسایل گوناگون از جمله مسایل مربوط به جرم، خانواده و سرمایه اجتماعی به اقتصاددانان و سایر پژوهشگران اجتماعی یادآوری کند. بکر اعتقاد داشت که اقتصاد را باید با توجه به روش آن (روش انتخاب عقلایی) و نه موضوع مطالعه‌اش تعریف کرد. (Becker, 1976) ریچارد پوسنر در سال 1972 کتابی را با نام «تحلیل اقتصادی حقوق»<sup>25</sup> منتشر کرد که در تاریخ دانش اقتصاد اهمیتی بسیار یافت. وی در این کتاب کوشید با بهره‌گیری از ایده‌های گری بکر نظام حقوقی کامن لائو<sup>26</sup> را تحلیل اقتصادی نماید. ایده جذابی که پوسنر در این کتاب دنبال می‌کرد نشان دادن کارایی نظام حقوقی کامن لائو بود. او در ویرایش نخست کتابش این ایده را مطرح کرد که تمام قواعد مطرح در نظام کامن لائو با منطق کارایی سازگار است و می‌تواند ضمن جلوگیری از اتلاف منابع، باعث حداکثر شدن ثروت جامعه شود. (Posner, 1972)

### جدول شماره 1:

برخی از موضوعات مورد بررسی در رویکرد شیکاگو به حقوق و اقتصاد

تحلیل اقتصادی حقوق مالکیت خصوصی و دایره اختیارات مالکان
تحلیل اقتصادی تعارض در به کارگیری اموال و مساله آثار جانبی
تحلیل اقتصادی ابزارهای حمایت از مالکیت
تحلیل اقتصادی مالکیت عمومی
تحلیل ابعاد تخصیصی و توزیعی تخصیص اموال خصوصی به وسیله دولت

<sup>24</sup> Rational Choice

<sup>25</sup> Economic Analysis of Law

<sup>26</sup> Common Law

تحلیل ابعاد تخصیصی و توزیعی حقوق مالکیت معنوی
مفهوم قراردادهای کامل و ناقص
تحلیل اقتصادی تفسیر قراردادها
تحلیل نتایج اقتصادی مذاکره مجدد در مورد قراردادها
تحلیل پیامدهای اقتصادی نقض قراردادها و روش‌های جبران خسارت
تحلیل نتایج اقتصادی ابطال قراردادها

رویکرد میان رشته‌ای شیکاگو در حقوق و اقتصاد طیف بسیار وسیعی از موضوعات را مورد بحث و مناقشه قرار داده است. یکی از مهم‌ترین حوزه‌های مورد بررسی در این رویکرد حوزه حقوق مالکیت است. در این حوزه موضوعاتی مانند مالکیت خصوصی و دایره اختیارات مالکان، تعارض در به کارگیری اموال و مساله آثار جانبی، ابزارهای حمایت از مالکیت، مالکیت عمومی، تحویل اموال خصوصی به وسیله دولت و حقوق مالکیت معنوی مورد بحث و دقت نظر قرار می‌گیرد. محور مهم دیگری که در این رویکرد مورد مطالعه قرار گرفته است موضوع مهم حقوق قراردادهاست. در این محور نیز مسائلی مانند شکل‌گیری و اعمال قراردادها، مفهوم قراردادهای کامل و ناقص، تفسیر قراردادها، مذاکره مجدد در مورد قراردادها، نقض قراردادها و روش‌های جبران خسارت، ابطال قراردادها و مسائلی از این دست مورد بحث و بررسی قرار می‌گیرد. حوزه مطالعاتی دیگری که توجه جدی رویکرد شیکاگویی را به خود جلب کرده است موضوع حقوق حادثه و شبه جرم است. این حوزه در کنار حوزه‌های مطالعاتی دیگری مانند تحلیل اقتصادی فرایند دادرسی و تحلیل اقتصادی جرم و مجازات می‌تواند نمادی از کمک اقتصاددانان به حل برخی مسائل و تعارضات حقوقی باشد. (Posner, 1998; Cooter & Ulen, 2000; Shavell, 2004) به هر تقدیر باید اذعان کرد که وجه تمایز رویکرد شیکاگو تلاش برای شناسایی و طراحی دسته‌ای از قواعد حقوقی است که توانایی بیشتری برای تحقق کارایی و حداکثر سازی ثروت در جامعه داشته باشند. جدول شماره 1 نمونه‌ای از موضوعات مورد بررسی در این رویکرد را نشان می‌دهد.

## 2-5. رویکردهای رقیب در حقوق و اقتصاد

از دهه 1970 ایده‌های تحقیقاتی مکتب شیکاگو در عرصه حقوق و اقتصاد به ویژه تاکید فراوان آن بر ایده کارایی با انتقادات جدی مواجه شد. (Mackaay, 2000a) این انتقادات باعث شد تا از دهه 1980 اعتماد به تز تحقیقاتی مکتب مذکور کاهش یابد و نقش رویکرد های رقیب به ویژه رویکردهایی مانند رویکرد نهادگرای قدیم، رویکرد نهادگرای جدید، نظریه انتخاب عمومی و رویکرد اثربشی در توسعه دانش میان رشته‌ای حقوق و اقتصاد فزونی گیرد. در نگاهی کلی می‌توان ادعا کرد که تفاوت‌های اساسی این مکاتب با مکتب شیکاگو در موضوعاتی مانند تاکید بر نقش نهادها، پژوهش تاریخی، جایگاه ناطمینانی، اکتشاف، کارآفرینی، رفتار استراتژیک و عقلانیت محدود آشکار می‌شود. (Mackaay, 2000b) از آنجا که بررسی هم ه این مکاتب و

دستاورد هایشان خارج از مجال این مقاله است ما بررسی خود را به رویکرد نهادگرایان جدید به حقوق و اقتصاد که به اختصار می‌توان آن را «حقوق و اقتصاد نهادگرایی جدید» نامید محدود می‌کنیم.

پیش از آنکه حقوق و اقتصاد نهادگرایی جدید را بررسی کنیم لازم است به یاد داشته باشیم که توجه به تأثیر نهادها بر عملکرد اقتصادی، تاریخی طولانی دارد و سابقه آن دست کم به اواخر قرن نوزدهم میلادی و انتشار کتاب «نظریه طبقه مرفه»<sup>27</sup> به قلم نیوستن وبلن باز می‌گردد. وبلن در این کتاب از کم توجهی اقتصاددانان نئوکلاسیک به نقش نهادها انتقاد می‌کند. از نگاه وی نهادها طیف وسیعی از عادات فکری و رویه های رفتاری رایج در هر مقطع زمانی را در برمی گیرند و بر ابعاد مختلف زندگی بشر از جمله حیات اقتصادی او تأثیر می گذارند. (Veblen, 1899) پس از وبلن چهره های سرشناسی از جمله وسلی میچل<sup>28</sup>، کلارنس آیزر<sup>29</sup>، والتون همیلتون<sup>30</sup>، رابرت لی هیل<sup>31</sup>، و جان کامنز<sup>32</sup> برنامه پژوهشی او را - که امروزه اقتصاد نهادگرایی قدیم نامیده می‌شود- در جهات مختلف ادامه دادند. این گروه از اقتصاددانان عقیده داشتند که محیط نهادی، قیود و چارچوب‌های حاکم بر رفتار اقتصادی را تعریف و بنابراین فعالیت های اقتصادی افراد و جوامع را متأثر می‌کند. از طرف دیگر رفتار اقتصادی نیز با گذشت زمان بر محیط نهادی تأثیر می‌گذارد و آن را دستخوش تغییر می‌سازد. از نگاه اقتصاددانان نهادگرایی قدیم تأثیر و تأثر موجود بین محیط نهادی و عملکرد اقتصادی ماهیتی تکاملی<sup>33</sup> دارد و به همین خاطر استفاده از رویکرد تکاملی در تحلیل رفتارهای اقتصادی اجتناب ناپذیر

است. (Rutherford, 1994, Medema & Mercuro and Samuels, 2000)

رویکرد دیگری که در تحلیل چگونگی اثرگذاری نهادها بر رفتار اقتصادی به آن رجوع می‌شود رویکردی است که اقتصاد نهادگرایی جدید نامیده می‌شود. اقتصاددانان متمایل به این رویکرد عموماً از آرای رونالد کوز تأثیر پذیرفته‌اند و بنابراین نگاهی ویژه به تأثیر نهادهای حقوقی بر رفتار اقتصادی دارند. (Klein, 2000) اگر به ادبیات نهادگرایان جدید نگاهی بی‌افکنیم روشن است که می‌توان دو شاخه نزدیک اما متفاوت را - که هر دو در نظریات رونالد کوز ریشه دارند - از هم تشخیص داد. داگلاس نورث این دو شاخه را به ترتیب شاخه محیط نهادی و شاخه ترتیبات نهادی نام نهاده است. به گفته نورث محیط نهادی وظیفه تعیین قواعد بازی را بر عهده دارد. وی ترتیبات نهادی را با ساختارهای سازماندهی - که موضوع اصلی تحلیل در آثار ویلیامسون و دیگر نظریه پردازان «اقتصاد هزینه مبادله»<sup>34</sup> است - مرتبط می‌سازد. به گفته وی سازمان‌ها شامل گروهی از افرادند که برای رسیدن به هدف یا اهداف مشترک گرد هم آمده‌اند. (نورث، 1377) نظریه پردازان شاخه ترتیبات نهادی پا را از تحلیل حقوق و قواعد قراردادها - که موضوع اصلی شاخه محیط نهادی است - فراتر می‌گذارند و به مسأله قراردادهای ناقص و ساختارهای مختلف سازماندهی توجه می‌کنند. (Williamson, 2005) امروزه این دو شاخه چنان در میان اقتصاددانان شناخته شده است که جایزه نوبل علوم اقتصادی را نصیب داگلاس نورث و اولیور ویلیامسون به عنوان دو چهره مطرح در این دو شاخه از مطالعات بین رشته‌ای کرده است.

نورث نهادها را قواعد بازی در جامعه می‌داند و آنها را به دو دسته رسمی و غیررسمی تقسیم می‌کند. نهادهای رسمی مشتمل بر قوانین سیاسی، قوانین اقتصادی و قراردادها هستند. نهادهای حقوقی - که بخش مهمی از نهادهای رسمی را تشکیل می‌دهند -

<sup>27</sup> The Theory of the Leisure Class

<sup>28</sup> Wesley C. Mitchell

<sup>29</sup> Clarence E. Ayres

<sup>30</sup> Walton H. Hamilton

<sup>31</sup> Robert Lee Hale

<sup>32</sup> John R. Commons

<sup>33</sup> Evolutionary

<sup>34</sup> Transaction Costs Economics

حدود مالکیت را مشخص می‌کنند و بر مجموعه‌ای از حقوق استفاده از دارایی‌ها و درآمدهای ناشی از آن و توانایی افراد در انتقال یک دارایی یا منبع ثروت ناظرند. به گفته نورت نهادها حد و مرز انتخاب های افراد را تعیین می‌کنند تا کنش متقابل انسان‌ها در چارچوب آن تحقق پذیرد. البته نه‌ادها به رغم محدودیت‌هایی که ایجاد می‌کنند می‌توانند با کاهش ناطمینانی، هزینه‌های مبادله را کاهش دهند. (نورت، 1377) بخش مهمی از آثار نورت و پیروان او به بررسی و تحلیل سیر تحول نهاد‌های رسمی و غیر رسمی در طول تاریخ اختصاص دارد. جایگاه تاریخ در آثار این عده به حدی است که امروزه با نام طرفداران م کتب «تحلیل نهادی تاریخ» نیز از آنان یاد می‌شود. (نورت، 1379؛ David, Greif, 1993; Eggertsson, 1990; North, 1985; Davis and North, 1970) به عبارت دیگر نورت و دیگر پژوهشگران حقوق و اقتصاد نهادگرایی جدید توانستند دایره مطالعات میان رشته‌ای خویش را به عرصه تاریخ نیز گسترش دهند و مفهوم هزینه‌های مبادله را برای تحلیل تاریخ اقتصادی جوامع گوناگون به کار گیرند. بدین ترتیب همان‌گونه که نمودار شماره 1 نشان می‌دهد بسط قضیه کوز و معرفی مفهوم هزینه‌های مبادله توانست بستری را برای تحلیل‌های بین رشته‌ای در سه حوزه مهم اقتصاد، حقوق و تاریخ فراهم آورد.

### نمودار شماره 1

نقش محوری قضیه کوز و مفهوم هزینه‌های مبادله  
در توسعه مطالعات بین رشته‌ای در حقوق و اقتصاد نهادگرایی جدید (شاخه محیط نهادی)



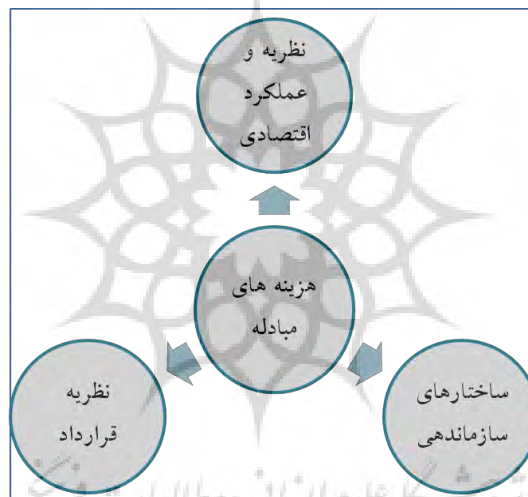
اولیور ویلیامسون بیش از هر اقتصاددان دیگری در توسعه مطالعات میان رشته‌ای مربوط به ترتیبات نهادی نقش داشت. او توانست دستاوردهای مقاله 1937 کوز و مفهوم هزینه‌های مبادله را برای تبیین مساله سازماندهی و دلایل رجوع به ساختارهای هرمی به کار گیرد. به عبارت دیگر همان‌گونه که نورت توانسته بود دان‌ش میان رشته‌ای حقوق و اقتصاد را در فهم تحولات تاریخ اقتصادی به استخدام خویش درآورد ویلیامسون موفق شد مطالعات حقوق و اقتصاد را با دانش مدیریت و ساختارهای سازماندهی ارتباط دهد و به گسترش مطالعات میان رشته‌ای در این عرصه کمک شایانی بنماید. همان‌گونه که نمودار شماره 2 نشان می‌دهد وی توانست سه حوزه مطالعاتی مهم یعنی نظریه قرارداد، نظریه سازمان و سازماندهی و نظریه اقتصادی را با تکیه بر مفهوم هزینه‌های مبادله به هم پیوند دهد. (Williamson, 1975; 1979; 1985) ویلیامسون بر خلاف بسیاری از اقتصاددانان که موضوع علم

اقتصاد را «انتخاب» می‌دانستند اعتقاد داشت که موضوع دانش اقتصاد باید شناخت و تحلیل «قراردادها» باشد. به همین دلیل نیز واحد تحلیل در آثاری که وی به وجود آورده «مبادله» است. ویلیامسون مبادلات را بر حسب سه ویژگی اختصاص دارایی به کاربرد خاص<sup>35</sup>، نااطمینانی<sup>36</sup> و تناوب<sup>37</sup> مبادلات تقسیم‌بندی می‌کند و هزینه‌های هر مبادله را تابعی از این سه ویژگی می‌داند. او چگونگی تأثیرگذاری این سه ویژگی را در انتخاب ساختارهای سازماندهی توضیح داده است. از نگاه ویلیامسون ساختارهای سازماندهی به سه دسته عمده شامل بازار، ساختارهای هرمی<sup>38</sup> مانند بنگاه و ساختارهای ترکیبی<sup>39</sup> تقسیم می‌شود. او در تحلیل‌های خود فروض عقلانیت محدود و فرصت طلبی را جایگزین فرض عقلانیت کامل کرده است. به عقیده وی از آنجا که عقلانیت محدود است افراد نمی‌توانند در زمان انعقاد قرارداد همه اتفاقات و احتمالات ممکن را به حساب آورند. به همین دلیل نیز همه قراردادها در ذات خود ناقص هستند. (Williamson, 2005؛ ویلیامسون، 1381)

## نمودار شماره 2

نقش محوری قضیه کوز و مفهوم هزینه‌های مبادله

در توسعه مطالعات بین رشته‌ای در حقوق و اقتصاد نهادگرایی جدید (شاخه اقتصاد هزینه مبادله)



## 7. چشم انداز مطالعات حقوق و اقتصاد در اسلام

بخش مهمی از میراث معنوی اسلام به بیان نظام حقوقی آن اختصاص دارد که در کتب فقهی تجلی یافته است. بدون شک در سرزمین‌های اسلامی نیز مانند هر دیار و سرزمین دیگری نظام حقوقی و قواعد برخاسته از آن نقشی انکارناشدنی در عملکرد اقتصادی داشته است. به رغم وضوح و اهمیت این موضوع، تحلیل و تبیین چگونگی تأثیرگذاری نظام حقوقی اسلام بر عملکرد اقتصادی مسلمانان چندان مورد توجه و عنایت نبوده است. برای مثال مساله مهمی که همواره شایسته تدقیق و بررسی‌های

<sup>35</sup> Asset Specificity

<sup>36</sup> Disturbances

<sup>37</sup> Frequency

<sup>38</sup> Hierarchy

<sup>39</sup> Hybrid

عالمانه بوده ولی کمتر مورد توجه قرار گرفته است چگونگی تطور نظام حقوقی اسلام با توجه به تحولات اقتصادی به ویژه از حیث تغییر فناوری‌های تولید بوده است. در کنار این موضوعات تحلیل آموزه‌های حقوقی اسلام از منظر یافته‌های دانش اقتصاد جدید نیز می‌تواند موضوع مطالعاتی جذابی به شمار آید و بر شناخت ما از نحوه عملکرد تعالیم حقوقی اسلام بیافزاید. با توجه به موارد فوق الذکر و مواردی از این دست، توسعه مطالعات اسلامی در حوزه حقوق و اقتصاد را می‌توان حرکتی نوین و تاثیرگذار تلقی کرد.

بدیهی است که تحولات نظری مورد اشاره در بخش‌های قبل بسترهای مناسبی را برای توسعه مطالعات بین رشته‌ای در عرصه مطالعات حقوق و اقتصاد در اسلام پدید آورده است. فرصت‌های مطالعاتی مذکور اختصاص به هیچ یک از رویکردهای مورد اشاره ندارد بلکه روش‌های مرسوم در هر یک از رویکردهای شیکاگویی و نهادگرایی جدید را می‌توان با برخی تعدیلات بومی کرد و آن را در مطالعات حقوق و اقتصاد در اسلام به کار گرفت. برای مثال اگر قصد داشته باشیم کارکرد قواعد و مقررات حقوقی اسلامی را از منظر کارایی تخصیصی مطالعه کنیم روش‌ها و دستاوردهای رویکرد میان رشته‌ای شیکاگو می‌تواند کمک شایان توجهی به ما بکند. به همین طریق اگر بخواهیم به موضوع مهم ظهور و افول اقتصادی مسلمانان توجه کنیم می‌توانیم از روش‌های موجود در شاخه محیط نهادی اقتصاد نهادگرایی جدید بهره بگیریم. همچنین اگر بخواهیم به سازماندهی اقتصادی در اسلام و ارتباط آن با توسعه اقتصادی جوامع اسلامی نظر بیفکنیم بدون شک می‌توانیم به روش‌ها و دستاوردهای اقتصاد هزینه مبادله (شاخه ترتیبات نهادی اقتصاد نهادگرایی جدید) رجوع کنیم و از آن الگو بگیریم. در ادامه می‌کوشیم مطالعات میان رشته‌ای نوینی را که با تکیه بر دستاوردهای هر یک از این رویکردها می‌توان در عرصه حقوق و اقتصاد در اسلام پی گرفت معرفی نماییم.

روش‌ها و دستاوردهای رویکرد شیکاگو توانایی قابل توجهی در شناخت ابعاد اقتصادی موضوعات حقوقی دارد. چنان که می‌دانیم بخش مهمی از مسائل مطرح در فقه الاقتصاد متوجه شناخت موضوعات جدید فقهی و تلاش برای استنباط موضع شریعت در قبال این موضوعات است. بر همین اساس آشنایی فقها و پژوهشگران فقه با شیوه تحلیلی این رویکرد می‌تواند کمک شایانی به فهم عمیق‌تر موضوعات اقتصادی به ویژه از جهت کارکردهای تخصیصی و توزیعی آنها داشته باشد. موضوعات مهمی مانند حقوق مالکیت معنوی، تقسیم زمانی مالکیت، تعارض در اموال و مساله آثار جانبی و مواردی از این دست در عداد چنین موضوعاتی جای می‌گیرند. به علاوه دانش اقتصاد (در قالبی که رویکرد شیکاگو نماد آن است) می‌تواند نقش مهمی در برخی تصمیم‌گیری‌های حقوقی به ویژه در حوزه حقوق حوادث داشته باشد. برای مثال محاکم شرع به هنگام تعیین مقدار خسارات وارده شده بر افراد در جریان یک تصادف یا تعیین میزان خسارات در مصادیق قاعده فقهی اتلاف می‌توانند از روش‌ها و دستاوردهای این رویکرد بهره‌برداری نمایند.

مسئله مهم دیگری که با استفاده از رویکرد شیکاگو قابل بررسی است مقایسه کارایی احکام، عقود و قواعد فقهی در زمان صدر اسلام با شرایط کنونی است. بدیهی است احکام، عقود و قواعد مذکور را باید متناسب با بسترهای زمانی صدور آنها تحلیل کرد؛ به عبارت دیگر اگر بررسی‌ها نشان دهد که یک عقد و قاعده فقهی در صدر اسلام کارکردهایی داشته است که اکنون نمی‌تواند آن کارکردها را برآورده کند می‌توان با استفاده از چارچوب‌های انعطاف‌پذیرتری همچون عقد صلح و سازوکار شرط، عقد یا قاعده مذکور را با رعایت ضوابط کلی حاکم بر عقود و قراردادهای تا حد قابل توجهی اصلاح کرد. البته در این گونه بررسی‌ها می‌توان با توجه به ماهیت تاریخی مطالعه از چارچوب‌ها و روش‌های رایج در رویکرد تحلیل نهادی تاریخ نیز یاری جست. با تکیه بر همین روش‌هاست که می‌توان از ایجاد دانش‌های جدید میان رشته‌ای مانند اقتصاد مضاربه، اقتصاد مشارکت، اقتصاد زکات، اقتصاد وقف، اقتصاد احیاء موات و اقتصاد مباحات عامه نام برد. در این گونه دانش‌ها می‌توان ابعاد و کارکردهای اقتصادی هر یک از این احکام و عقود را با توجه به بسترهای تاریخی صدور حکم و نیز با توجه به بسترهای کنونی موجود در جوامع اسلامی مورد بحث و تدقیق

قرار داد. جدول شماره 2 عناوین برخی پژوهش‌های میان رشته‌ای را که با الهام از روش‌های رویکرد شیکاگو در حقوق و اقتصاد قابل انجام است نشان می‌دهد.

## جدول شماره 2

### عناوین برخی پژوهش‌های میان رشته‌ای با الهام از رویکرد شیکاگو در حقوق و اقتصاد

موضوع‌شناسی اقتصادی و فقهی حقوق مالکیت معنوی
موضوع‌شناسی اقتصادی و فقهی تقسیم زمانی مالکیت
تحلیل اقتصادی و فقهی تعارض در اموال و مساله آثار جانبی
مقایسه کارکردهای اقتصادی عقود شرعی در صدر اسلام و زمان حاضر
مقایسه کارکردهای اقتصادی قواعد فقهی در صدر اسلام و زمان حاضر
مقایسه کارکردهای اقتصادی احکام مالکیت در صدر اسلام و زمان حاضر
اقتصاد اطلاعات و کارایی در مقررات‌گذاری بر قراردادها در صدر اسلام و زمان حاضر
تحلیل روش‌های حمایت از حقوق مالکیت در اسلام از منظر کارایی
تحلیل اقتصادی احکام شرعی معطوف به نقض قراردادها و روش‌های جبران خسارت

بخش مهمی از موضوعات اقتصادی مرتبط با تاریخ اسلام را می‌توان با بهره‌گیری از روش‌های مرسوم در شاخه محیط نهادی حقوق و اقتصاد نهادگرایی جدید تحلیل و بررسی نمود. بخشی از این تحقیقات می‌تواند تفاوت وضعیت اقتصادی شبه جزیره عربستان در روزگار پیش و پس از ظهور اسلام را توضیح دهد. همچنین بخشی از مساعی پژوهشگران را می‌توان به سمت تحلیل دلایل ظهور و افول اقتصادی مسلمانان در قرن‌های نخست هجری هدایت کرد. برآستی نقش نهادهای حقوقی و هزینه‌های مبادله در این ظهور و افول به چه اندازه بود و آیا با تکیه بر مفهوم هزینه‌های مبادله می‌توان بخشی از تاریخ تمدن اسلامی را تبیین کرد؟ پاسخ به این سؤا و سؤالاتی از این دست نیازمند پژوهش‌های نظام‌مندی است که می‌تواند با الهام از روش شناسی نورث و دیگر تحلیل‌گران مکتب تحلیل نهادی تاریخ انجام گیرد. جدول شماره 3 عناوینی را که با الهام از شاخه محیط نهادی رویکرد نهادگرایان جدید در حقوق و اقتصاد قابل مطالعه است پیشنهاد می‌دهد. البته لازم به یادآوری است که در سال‌های اخیر جریان پژوهشی جدیدی آغاز شده که اهتمام آن معطوف به بررسی عملکرد «نهادهای اقتصادی اسلامی»<sup>40</sup> و تأثیر آن بر عملکرد اقتصادی کشور های مسلمان بوده است. این پژوهش‌ها عمدتاً جنبه انتقادی داشته و در پی تبیین علل عقب‌ماندگی اقتصادی دولت‌های مسلمان به ویژه امپراطوری عثمانی در قرن‌های اخیر بوده است. در این نگاه ضعف نهادهای اقتصادی اسلامی از جمله وقف و شرکت علت تخصیص ناکارای منابع و در نتیجه عقب‌ماندگی اقتصادی مسلمانان در سده‌های اخیر دانسته شده است. (Kuran, 2003; 2004; 2008) به هر تقدیر انتظار می‌رود دستاوردهای این جریان پژوهشی نیز در سال‌های آتی ادبیات گسترده‌ای را ایجاد کند.

## جدول شماره 3

### عناوین برخی پژوهش‌های میان رشته‌ای با الهام از شاخه محیط نهادی رویکرد حقوق و اقتصاد نهادگرایی جدید

<sup>40</sup> Islamic Economic Institutions



تحلیل اقتصادی تاریخ عرب پیش از اسلام
تحلیل اقتصادی تاریخ مسلمانان در عصر خلفای اربعه، عصر اموی و عصر عباسی
تحلیل نقش نهادهای حقوقی اسلامی در شکل‌گیری موقعیت کنونی کشورهای اسلامی
تحلیل اقتصادی تاریخ حقوق و محاکم در میان اهل سنت
مساله اعمال حقوق و قراردادها در اسلام
تبیین ظهور و سقوط اقتصادی مسلمانان
نظام تجاری در شهرهای اسلامی
نظام حمل و نقل و شکل قراردادها در کاروان‌های اسلامی

یکی از محورهای پژوهشی دیگری که با تکیه بر تحولات علمی جدید قابل پی‌گیری است بحث و کاوش در باب رویکرد اسلام به ساختارهای سازماندهی است. برای مثال این موضوع هم‌چنان حائز اهمیت است که آیا در فقه اسلامی امکان تشکیل شرکت‌های سهامی (به عنوان مهم‌ترین نوع بنگاه در دنیای جدید) پیش‌بینی شده بود؟ اگر پاسخ منفی است آیا در شرایط کنونی فقه اسلامی مجوز تشکیل چنین بنگاه‌هایی را فراهم می‌آورد؟ این سوال و سولاتی از این دست را می‌توان با تکیه بر روش‌های رایج در شاخه ترتیبات نهادی رویکرد نهادگرایی جدید به حقوق و اقتصاد یا همان شاخه اقتصاد هزینه مبادله مورد بررسی قرار داد. موضوع دیگری که همچنان قابل بحث و مذاقه است نسبت تعالیم حقوقی اسلام و دو روش مهم سازماندهی یعنی بازار و دولت است. چنان که می‌دانیم بحث درباره این دو سازوکار سابقه‌ای طولانی در میان اندیشمندان مسلمان دارد؛ به گونه‌ای که از بدو تولد جریان پژوهشی اقتصاد اسلامی در سال‌های میانی قرن بیستم این موضوع به ویژه از منظر نقش دولت در کانون توجه نظریه پردازان این جریان قرار داشته است. (صدر، 1968؛ دفتر همکاری حوزه و دانشگاه، 1371؛ مطهری، 1403؛ 1385؛ نمازی و دادگر، 1385؛ Siddiqi, 1981؛ 1992؛ 1996؛ Chapra, 1970) با این حال اولین نکته‌ای که ضرورت انجام مطالعات جدید را در این عرصه نشان می‌دهد کم‌توجهی ادبیات مذکور به مسأله مهم هزینه‌های مبادله است. بدیهی است که استفاده از مفهوم هزینه‌های مبادله و سایر دستاوردهایی که در بخش‌های پیش‌مورد اشاره قرار گرفت می‌تواند چشم‌اندازهای جدیدی را برای پژوهش در آموزه‌های حقوقی اسلام فراهم آورد و به بارور شدن برنامه پژوهشی اقتصاد اسلامی کمک نماید. جدول شماره 4 برخی عناوین پژوهشی میان رشته‌ای را که با استفاده از روش‌ها و دستاوردهای اقتصاد هزینه مبادله قابل انجام است نشان می‌دهد.

#### جدول شماره 4

##### عناوین برخی پژوهش‌های میان رشته‌ای

##### با الهام از شاخه محیط نهادی رویکرد حقوق و اقتصاد نهادگرایی جدید

رویکرد فقه به سازوکار بازار به عنوان یکی از مهم‌ترین روش‌های سازماندهی اقتصادی
نقش دولت اسلامی در تخصیص منابع و تحلیل آن از منظر هزینه‌های مبادله

امکان تشکیل انواع بنگاه (به ویژه شرکت سهامی) در فقه اسلامی و تأثیر آن بر هزینه‌های مبادله
امکان تشکیل ساختارهای سازماندهی ترکیبی در فقه اسلامی و تأثیر آن بر هزینه‌های مبادله
فقه اسلامی و موضع آن در قبال قراردادهای ناقص
تحلیل تاریخی شکل‌گیری و افول ساختارهای سازماندهی در جوامع مسلمان

## 8. نتیجه‌گیری

هدف این مقاله مرور و معرفی تحولاتی بود که از نیمه دوم قرن بیستم آغاز گشت و به تدریج امکان توسعه مطالعات بین رشته‌ای را در عرصه حقوق و اقتصاد فراهم آورد. چنان‌که گفتیم دانش اقتصاد تا پیش از انتشار قضیه کوز در سیطره نظریه تعادل عمومی و نظریات دیگری قرار داشت که حقوق مالکیت را بی تأثیر می‌دانست و بنابراین ضرورت انجام مطالعات میان رشته‌ای را نادیده می‌انگاشت. کوز و پیروان او توانستند با معرفی قضیه کوز نشان دهند که هرگونه تحلیل درباره سازوکارهای تخصیص منابع تنها هنگامی قابل اعتماد است که فرض بی هزینه بودن مبادلات را کنار نهد و تأثیر هزینه‌های مبادله را بر رفتار اقتصادی به حساب آورد. به عبارت دیگر آنان نشان دادند که تنها تا زمانی می‌توان از تأثیر قوانین، مقررات، قواعد اجتماعی و نهادها بر عملکرد اقتصادی چشم پوشید که هزینه‌های مبادله مساوی صفر باشد. در غیر این صورت نهادهای حقوقی تأثیری غیر قابل انکار بر عملکرد سازوکارهای تخصیص منابع خواهد داشت. بدین سان اقتصاددانان مذکور توانستند به همکاران دانشگاهیشان یادآوری کنند که تا وقتی هزینه‌های مبادله مخالف صفر است گریزی از انجام مطالعات میان رشته‌ای وجود نخواهد داشت.

چنان‌که گفته شد مجموع این تحولات نظری بسترهای مناسبی را برای توسعه مطالعات بین رشته‌ای در دو حوزه مهم حقوق و اقتصاد فراهم آورد. ما در این مقاله رویکردهای مهمی را که در مطالعات حقوق و اقتصاد مورد استفاده است معرفی نمودیم و ویژگی‌های محوری هر یک را به اختصار بر شمریم. تردیدی نیست که تحولات نظری مذکور می‌تواند نقش مهمی در گسترش مطالعات بین رشته‌ای اسلامی داشته باشد و عرصه‌های پژوهشی نوینی را پیش روی محققان و پژوهشگران علاقه‌مند به این گونه مطالعات قرار دهد. یکی از موضوعات مهمی که با تکیه بر روش شناسی رویکرد شیکاگو قابل بحث و بررسی است تحلیل اقتصادی قواعد و مقررات حقوقی اسلامی به ویژه از منظر تأثیر این قواعد بر کارایی تخصیصی است. انجام این گونه تحلیل‌ها به ویژه اگر با توجه به بسترهای زمانی و مکانی تشریح احکام انجام گیرد می‌تواند نقش قابل توجهی در توسعه فقه اقتصاد داشته باشد. حوزه پژوهشی دیگری که با الهام از شاخه محیط‌نهادی رویکرد نهادگرایی جدید در حقوق و اقتصاد می‌تواند مورد توجه قرار گیرد تحلیل اقتصادی تاریخ تمدن اسلامی و تبیین علل ظهور و افول اقتصادی مسلمانان در سده‌های نخست هجری است. حوزه مطالعاتی دیگری که با تکیه بر دستاوردهای شاخه ترتیبات نهادی رویکرد نهادگرایی جدید در حقوق و اقتصاد قابل انجام است مطالعه درباره ساختارهای سازماندهی (شامل بازار، دولت، بنگاه و ساختارهای ترکیبی) و نقش آن‌ها در تخصیص منابع از منظر تعالیم حقوقی اسلام و نیز در تاریخ تمدن اسلامی است. به هر تقدیر رویکردهای معاصر در مطالعه حقوق و اقتصاد - اگر چه با کاستی‌هایی نیز همراه هستند - اما می‌توانند نقش مهمی در توسعه مطالعات میان رشته‌ای اسلامی داشته باشند و آنچه را که ما امروزه دانش «اقتصاد اسلامی» می‌خوانیم با تحولی شگرف روبرو نمایند.

## فهرست منابع و مآخذ

1. پیغامی، عادل. (1387) رهیافت‌های تلفیقی در طراحی رشته اقتصاد اسلامی *فصلنامه اقتصاد اسلامی*، شماره 32: 178-200.
2. خورسندی طاسکوه، علی (1388) تنوع گونه‌شناختی در آموزش و پژوهش میان رشته‌ای، *فصلنامه علمی - پژوهشی مطالعات میان رشته‌ای در علوم انسانی*، 4: 83-83.
3. دفتر همکاری حوزه و دانشگاه (1371) *مبانی اقتصاد اسلامی*، تهران: سمت.
4. زاهدی، کیوان. (1388) بررسی فراگشت آموزش و پژوهش میان رشته‌ای: نیاز دیروز، رویکرد امروز، زیرساخت فردا، *فصلنامه علمی - پژوهشی مطالعات میان رشته‌ای در علوم انسانی*، 4: 1-17.
5. صدر، سید محمد باقر. (1968) *اقتصادنا*، تحقیق مکتب الاعلام الاسلامی - فرع خراسان. قم: بوستان کتاب قم، 1417ق=1375.
6. مطهری، مرتضی (1403) *بررسی اجمالی مبانی اقتصاد اسلامی*، تهران: انتشارات حکمت.
7. مطهری، مرتضی. (1385) *نظری به نظام اقتصادی اسلام*، تهران: انتشارات صدرا.
8. نمازی، حسین و یداله دادگر. (1385) *ارتباط اقتصاد متعارف با اقتصاد ارتدکس و اقتصاد اخلاق مدار، موضوعات انتخابی در اقتصاد و اقتصاد اسلامی*، تهران: شرکت سهامی انتشار.
9. نورث، داگلاس سی. (1379) *ساختار و دگرگونی در تاریخ اقتصادی*، ترجمه غلامرضا آزاد ارمکی، تهران نشر نی.
10. نورث، داگلاس سی. (1377) *نهادهای، تغییرات نهادی و عملکرد اقتصادی*، ترجمه محمدرضا معینی، تهران انتشارات سازمان برنامه و بودجه.
11. ویلیامسون، اولیور. (1381) *اقتصاد نهادگرایی جدید؛ دستاورد گذشته و نگاهی به‌فرارو*، ترجمه محمود متوسلی، *برنامه و بودجه*، شماره 73، صص 3-43.
12. Alchian, A.A. (1965) Some economics of property rights. in *Economic Forces at Work*, A.A. Aichian. ed., Indianapolis, IN: Liberty Press.
13. Alchian, A.A. and S. Woodward. (1988), Review of Williamson's "The Economic Institutions of Capitalism". *Journal of Economic Literature*, 26: 65-79.
14. Allen, D.W. (2000) Transaction Costs, in *Encyclopedia of Law and Economics, Volume I. The History and Methodology of Law and Economics*, B. Bouckaert and G. De Geest. (eds), Cheltenham: Edward Elgar. pp. 893-926.
15. Arrow, K. J. (1969) The Organization of Economic Activity : Issues Pertinent to the Choice of Market Versus Nonmarket Allocation, in *The Analysis and Evaluation of Public Expenditures: the PPB System*, U.S. Congress, Joint Economic Committee, Washington: GPO, Vol. 1: 47-66.

16. Arrow, K. J. (1985) The Potentials and Limits of the Market in Resource Allocation, in *Issues in Contemporary Microeconomics and Welfare*, G. R. Feiwel, ed., Albany: State University of New York Press, pp. 107-124.
17. Arrow, K.J. and F. Hahn. (1971) *General competitive Analysis*. San Francisco: Holden-Day.
18. Arrow, K.J. and G. Debreu. (1954) Existence of an equilibrium for a competitive economy. *Econometrica* 22, 265—90.
19. Barzel, Y. (1976) An Alternative Approach to the Analysis of Taxation. *Journal of Political Economy*, 84:1177-1197.
20. Barzel, Y. (1985) Transaction Costs: Are They Just Costs? *Journal of Institutional and Theoretical Economics*, 141: 4-16.
21. Baumol, W.J. (1952). The transactions demand for cash: an inventory theoretic approach. *Quarterly journal of Economics*, 66: 545—456.
22. Becker, G S. (1976) *The Economic Approach to Human Behavior*, Chicago: University of Chicago Press.
23. Buchanon, J.M. (1987) The Constitution of Economic Policy, *American Economic Review*, 77: 243-250
24. Calabresi, G. (1965) The decision for accidents: an approach to non-fault allocation of costs. *Harvard Law Review*, 78: 713—745.
25. Calabresi, G. (1968) Transaction costs, resource allocation and liability rules: a comment. *Journal of Law and Economics*, 11: 67—68.
26. Chapra, M.U. (1970) *The Economic System of Islam- a Discussion of its Goal and Nature*. London: Islamic Culture Center.
27. Chapra, M.U. (1992) *Islam and the Economic Challenge*, Leicester, UK: the Islamic Foundation.
28. Chapra, M.U. (1996) *What is Islamic Economics*, Jedda: Islamic Research and Training Institute.
29. Cheung, S. N.S. (1969) *A Theory of Share Tenancy*, Chicago, University of Chicago Press.
30. Coase, R. (1937) The Nature of the Firm, *Economica* n.s., 4: 386-405.
31. Coase, R. (1960) The Problem of Social Cost, *Journal of Law and Economics*, 3: 1-44.
32. Coase, R. (1988) *The Firm, the Market, and the Law*. Chicago: University of Chicago Press.
33. Commons, J. (1924) *Legal Foundations of Capitalism*. New York: Macmillan.
34. Cooter, R. and T. Ulen. (2007) *Law and Economics*, New York: Harper Collins, (5th ed).

35. David, P. (1994) Why Are Institutions the 'Carriers of History'? Path Dependence and the Evolution of Conventions, Organizations and Institutions. *Structural Change and Economic Dynamics* 5, no. 3: 205-220.
36. Davis, L. E. and D.C. North. (1970) Institutional change and American economic growth: a first step towards a theory of institutional innovation. *Journal of Economic History*, 30: 131—149.
37. Debreu, G. (1959) *Theory of Value*. New York: Wiley.
38. Demsetz, H. M. (1967) Toward a Theory of Property Rights, *American Economic Review*, 57: 347-359.
39. Demsetz, H. M. (1972) When does the rule of liability matter? *Journal of Legal Studies*, 1: 13—28.
40. Eggertsson, T. (1990) *Economic Behavior and Institutions*. Cambridge: Cambridge University Press.
41. Goldberg, V. P. (1989) 'Production Functions, Transactions, Costs and the New Institutionalism', in *Readings in the Economics of Contract Law*, Goldberg, V. P. ed., Cambridge, Cambridge University Press, 21-23. Reprinted in Feiwel, George (ed.), *Issues in Contemporary Microeconomics*, Macmillan Press, 1985, 395-402.
42. Greif, A. (1993) Contract Enforceability and Economic Institutions in Early Trade: The Maghribi Traders' Coalition. *American Economic Review* 83: 525-48.
43. Hicks, J.R. (1935) A suggestion for simplifying the theory of money. *Economica* NS 2: 1-19.
44. Klaes, M. (2008) History of Transaction Costs, in *The New Palgrave Dictionary of Economics*, 2nd edition, S. N. Durlauf and L.E. Blume, eds., New York: Palgrave Mcmillan ,Vol.8: 363-367.
45. Klein, P.G. (2000) New Institutional Economics, in *Encyclopedia of Law and Economics, Volume I. The History and Methodology of Law and Economics*, B. Bouckaert and G. De Geest. (eds), Cheltenham: Edward Elgar. pp. 456-489.
46. Kuran, T. (2003) The Islamic commercial crisis: institutional roots of economic underdevelopment in the Middle East. *Journal of Economic History*, 63: 414—446.
47. Kuran, T. (2004) The economic ascent of the Middle East's religious minorities: the role of Islamic legal pluralism. *Journal of Legal Studies*, 33: 475—515.
48. Kuran, T. (2008) Islamic Economic Institutions, in *The New Palgrave Dictionary of Economics*, 2nd edition, S. N. Durlauf and L.E. Blume, eds., New York: Palgrave Mcmillan, Vol.4: 582-585.
49. Mackaay, E. (2000a) History of Law and Economics, in *Encyclopedia of Law and Economics, Volume I. The History and Methodology of Law and Economic*, Bouckaert, B. and De Geest, G. (eds.),Cheltenham: Edward Elgar. pp. 65-117.

50. MacKaay, E. (2000b) Schools: General, in *Encyclopedia of Law and Economics, Volume I. The History and Methodology of Law and Economic*, Bouckaert, B. and De Geest, G. (eds.), Cheltenham: Edward Elgar. pp. 402-415. Becker, Gary S. (1976), *The Economic Approach to Human Behavior*, Chicago: University of Chicago Press
51. Macneil, L.R. (1981) Economic analysis of contractual relations: its shortfalls and the need for a 'rich classificatory apparatus, *Northwestern University Law Review*, 75: 1018—1063.
52. Makower, H. and Marschak, J. (1938) Assets, prices and monetary theory, *Economica* NS, 5: 261—288.
53. Marschak, J. (1950) The Rationale of the Demand for Money and of Money Illusion. *Metroeconomica*, 2: 71—100.
54. Medema. S.G. & N. Mercurio and W. J. Samuels. (2000) Institutional Law and Economics, in *Encyclopedia of Law and Economics, Volume I. The History and Methodology of Law and Economics*, B. Bouckaert and G. De Geest. (eds), Cheltenham: Edward Elgar. pp. 418-455.
55. North, D.C. (1985) Transaction costs in history. *Journal of European Economic History*, 14: 557—576.
56. Parisi, F. (2008) Coase Theorem, , in *The New Palgrave Dictionary of Economics*, 2nd edition, S. N. Durlauf and L.E. Blume, eds., New York: Palgrave Mcmillan, Vol.1: 855-861.
57. Patinkin, D. (1965) *Money, Interest, and Prices*, 2nd edn. New York and Tokyo: Harper & Row and Weatherhill.
58. Pigou. A.C. (1920) *The Economics of Welfare*. London: Macmillan.
59. Posner, R.A. (1972) *Economic Analysis of Law*. Boston: Little, Brown.
60. Posner, R. A. (1998) *Economic Analysis of Law*, Aspen Law and Business (5th edn).
61. Roth, A. (2002) The economist as engineer: game theory, experimentation, and computation as tools for design economics. *Econometrica*, 70: 1341—1378.
62. Rutherford, M. (1994) *Institutions in Economics: The Old and the New Institutionalism*, Cambridge: Cambridge University Press.
63. Shavell, S. (2004) *Foundations of Economic Analysis of Law*, Cambridge, MA: the Belknap Press of Harvard University Press.
64. Stigler, G.J. (1966) *The Theory of Price*, 3rd edition. New York: Macmillan.
65. Stigler, G.J. (1967) Imperfections in the capital market. *Journal of Political Economy*, 75: 287-292.
66. Tobin, J. (1956) The interest-elasticity of transactions demand for cash. *Review of Economics and Statistics* 38: 241—247.

67. Veblen, T.B. (1899) *The Theory of the Leisure Class*, New York: Macmillan.
68. Walras, L. (1954) *Elements of Pure Economics*, translated by William Jaffe. London: Allen & Unwin.
69. Wellisz, S. (1964) On external diseconomies and the government assisted invisible hand. *Economica*, 31: 345-362.
70. Williamson, O.E. (1975) *Markets and Hierarchies*. New York: Free Press.
71. Williamson, O.E. (1979) Transaction-Cost Economics: The Governance of Contractual Relations. *Journal of Law and Economics*, 22: 233-261.
72. Williamson, O.E. (1985) *The Economic Institutions of Capitalism*. New York: Free Press.
73. Williamson, O.E. (2005) Transaction Cost Economics, in *Handbook of New Institutional Economics*, C. Menard and M.M. Shirley eds., Netherlands: Springer.

